

تدبر در حدیث و سیره معصومین (علیهم السلام) - استاد ضرابی

بسم الله الرحمن الرحيم وصلى الله على محمد وآله الطاهرين

پنج شعبان المعظم ۱۴۴۲ مطابق با ۱۳۹۹/۱۲/۲۸

ميلاد مسعود سيد الساجدين و زين العابدين (صلوات الله و سلامه عليه)

را به پیشگاه پیامبر اسلام و اهل بیت طاهرینش به ویژه ولی عصر و حجت حق امام زمان (سلام الله علیهم اجمعین) و همه دوستداران و ارادتمندان به مکتب رسالت و ولایت تبریک و تهنیت عرض می‌کنم و پیروی راه آن حضرت را از خدای منان مسئلت دارم.

«السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا زَيْنَ الْعَابِدِينَ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا زَيْنَ الْمُتَهَجِّدِينَ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا إِمَامَ الْمُتَّقِينَ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَلِيَّ الْمُسْلِمِينَ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا فُرَّهَ عَيْنِ النَّاطِرِينَ الْعَارِفِينَ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَصِيَّ الْوَصِيِّينَ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا خَازِنَ وَصَايَا الْمُرْسَلِينَ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا ضَوْءَ الْمُسْتَوْحِشِينَ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا نُورَ الْمُجْتَهِدِينَ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا سِرَاجَ الْمُرتَاضِينَ - سلام بر تو ای زینت عابدان، سلام بر تو ای زینت شب زنده داران، سلام بر تو ای پیشوای پرهیزکاران، سلام بر تو ای ولی مسلمانان، سلام بر تو ای نور دیده عارفان، سلام بر تو ای وصی اوصیا، سلام بر تو ای خزانه دار وصایای فرستادگان الهی، سلام بر تو ای نور بیمناکان، سلام بر تو ای نور کوشندگان عابد، سلام بر تو ای چراغ روشنایی بخش ریاضت کشان»

حبّذا شاهی که محکم شد از او کاخ کمال فرخا ماهی که روشن شد از او مهد ادب

حجّت حق، رحمت مطلق، علی بن الحسین (ع) درّة التاج شرف ماه عجم شاه عرب

شمع بزم حق پرستان بود و مجذوب خدا آن چنان کز یاد حق غافل نبودی روز و شب

تدبر در کلمات قصار حضرت زین العابدين (صلوات الله و سلامه عليه)

قال مولانا السّجاد (عليه الصلاة و السلام): «إِنَّ الْكَرِيمَ يَبْتَهِجُ بِفَضْلِهِ، وَاللَّيْمَ يَفْتَخِرُ بِمُلْكِهِ - كريم به بخشش خود می بالد و فرومایه به دارایی اش می نازد.» (بحار/ج ۷۸/ص ۱۴۲/ح ۵)

موضوع تدبر:

چگونه می‌توان چنین ابتهاج و سروری را که امام (علیه السلام) فرمود در بخشیدن و عطا نمودن بدست آورد؟ چگونه می‌توان احساس حقارت و پستی را در مالکیت و دارایی متاع ناچیز دنیا تصدیق کرد؟

کرامت و بخشندگی در پرتو یقین و همت بالا

کریم در لغت به معنای بخشنده و بزرگوار است که در مورد بخشیدن گناهان هم به کار می‌رود از این رو یکی از صفات الهی در کنار تفضل و عطا، گذشت از گناهان بندگان است؛ بنابراین؛ کلمات هم معنا مانند سخاوتمند و بزرگوار و جوانمرد نیز در همین معنا بکار می‌رود، و حتی گسترده‌تر از آن؛ مثلاً به معنای چشم پوشی از آنچه در دست مردم است، در روایت بکار رفته است: «إِنَّ سَخَاءَ النَّفْسِ عَمَّا فِي أُيْدِي النَّاسِ لَأَفْضَلُ مِنْ سَخَاءِ الْبَذْلِ - سخاوت و بلندنظری و بی‌اعتنائی انسان نسبت به اموال دیگران، از سخاوت در بذل و بخشش برتر است.» (میزان الحکمه، ج ۱، ص ۳۷۸)

از جمله این که قرآن با عنوان «کریم» توصیف شده «إِنَّهُ لَقُرْآنٌ كَرِيمٌ»؛ از آن جهت که سودرسان برای مردم و عرضه کننده معارفی است که سعادت دنیا و آخرت را در پی دارد.

اما این که چگونه چنین صفت ارزشمندی بدست می‌آید؟

بر اساس حدیثی از امام صادق (علیه السلام) یقین و همت والا سرمایه لازم برای بدست آوردن آن است: «السَّخَاءُ مِنَ اخْلَاقِ الْأَنْبِيَاءِ وَ هُوَ عِمَادُ الْإِيمَانِ وَ لَا يَكُونُ مُؤْمِنًا [مُؤْمِنٌ] إِلَّا سَخِيًّا - وَ لَا يَكُونُ سَخِيًّا إِلَّا ذُو يَقِينٍ وَ هِمَّةٍ عَالِيَةٍ لِأَنَّ السَّخَاءَ شُعَاعُ نُورِ الْيَقِينِ - مَنْ عَرَفَ مَا قَصَدَ هَانَ عَلَيْهِ مَا بَذَلَ - سخاوت از اخلاق پیامبران و ستون ایمان است . هیچ مؤمنی نیست مگر آن که بخشنده است و تنها آن کس بخشنده است که از یقین و همت والا برخوردار باشد ؛ زیرا که بخشندگی پرتو نور یقین است . هر کس هدف را بشناسد بخشش بر او آسان شود.» (بحار الأنوار ج ۶۸، ص ۳۵۵، ح ۱۷)

ای صاحب کرامت شکرانه سلامت روزی تفقدی کن درویش بینوا را

آسایش دو گیتی تفسیر این دو حرفست با دوستان مروّت با دشمنان مدارا

افتخار به تغذیه و مصرف یا به فایده و ثمر بخشی؟

امام حسن عسکری علیه السلام می‌فرمایند: «خَصَلَتَانِ لَيْسَ فَوْقَهُمَا شَيْءٌ: الْإِيمَانُ بِاللَّهِ، وَ نَفْعُ الْأَخْوَانِ - دو خصلت و حالتی که والاتر از آن دو چیز نیست، عبارتند از: ایمان و اعتقاد به خداوند و نفع رساندن به برادران دینی.» (تحف العقول، ص ۴۸۹) و نیز فرمودند: «يَأْتِي عُلَمَاءُ شِيعَتِنَا الْقَوَامُونَ لِضَعْفَاءِ مُحِبِّينَا وَ أَهْلِ وَلايَتِنَا يَوْمَ الْقِيَامَةِ، وَ الْأَنْوَارُ تَسْطَعُ مِنْ تِجَانِهِمْ عَلَى رَأْسِ كُلِّ وَاحِدٍ مِنْهُمْ تَاجٌ بِهَاءٍ، قَدْ انْبَثَتْ تِلْكَ الْأَنْوَارُ فِي عَرَصَاتِ الْقِيَامَةِ - آن دسته از علماء و دانشمندان شیعیان ما که در هدایت و رفع مشکلات دوستان و علاقه‌مندان ما تلاش کرده‌اند، روز قیامت در حالی وارد صحرای محشر می‌شوند که تاج کرامت بر سر نهاده و نور وی، همه‌جا را روشنایی می‌بخشد و تمام اهل محشر از آن نور بهره‌مند خواهند شد.» (تفسیر الإمام العسکری علیه السلام، ص ۳۴۵، ح ۲۲۶)

خوب است ما نیز برای شناخت هدف به این نکته توجه کنیم که خداوند برای همه موجودات خاصیت و برکتی قرار داده است، از خاک و درخت و حیوان و باد و هوا گرفته تا هر موجود دیگری، همه این موجودات از دو جنبه کلی برخوردارند: "جذب و تغذیه، ثمر و محصول" مثلاً درختان برای آنکه به ثمر بنشینند و محصول دهند باید از خاک و هوا تغذیه کنند.

سؤال این است که کدام از این دو امر مقصود و هدف از وجود این موجودات محسوب می‌شود و می‌باید به آن ببالند و افتخار کنند؟ آیا جذب و تغذیه مایه افتخار است یا ثمر و محصول؟ آیا باید به تغذیه و خوردن و مصرف بالید و دلشاد بود؟ یا به ثمردهی و پرفایده بودن؟

آیا انسان باید به آن مقدار که می‌خورد و مصرف می‌کند افتخار کند یا به آن مقدار که تولید می‌کند و محصول نافع و ثمربخش ارائه می‌دهد؟ خود ما انسان‌ها چگونه موجودات را ارزش گذاری می‌کنیم؟ وقتی زنبور عسل را نافع می‌شماریم و از درختان و آب و هوا به عنوان نعمت‌های الهی یاد می‌کنیم بخاطر تغذیه و مصرفی است که این پدیده‌ها دارند یا خواص و آثاری است که از آن‌ها عاید ما می‌شود؟

توانگرا! دل درویش خود به دست آور که مخزنِ دُر و گنجِ دِرَم نخواهد ماند

بر این رواقِ زبرجد نوشته اند به زر که جز نکویی اهلِ کرم نخواهد ماند

بهشت اولیاء: برخوردار شدن یا برخوردار نمودن؟

براستی هدفی که ما از بهشت و سعادت برای خود ترسیم می‌کنیم چیست؟

آیا بهشت ما آن جایی است که همه چیز برای مصرف کردن و تغذیه ما فراهم باشد و هیچ مزاحمی نداشته باشیم؟ یا آنچه از مکتب اهل بیت (علیهم السلام) آموخته‌ایم در مورد اولیاء خدا این است که افتخار آنها در قیامت شفاعت است و این که از همه مفیدتر باشند؟ وقتی اولیا خدا در دنیا به این اندازه اهل رسیدگی به فقرا و محرومین مادی و معنوی هستند در آخرت ثمر و فایده آنها در چیست؟ آیا دستگیری و شفاعت نیست؟

پیامبر گرامی فرمود: «يُشْفَعُ النَّبِيُّونَ وَالْمَلَائِكَةُ وَالْمُؤْمِنُونَ فَيَقُولُ الْجَبَّارُ بَقِيَتْ شَفَاعَتِي.....» - «پیامبران و فرشتگان و مؤمنان شفاعت می‌کنند. آنگاه خدای متعال می‌فرماید: شفاعت من باقی مانده است یعنی گروهی از آنان که به شفاعت شفاعت کنندگان نجات نمی‌یابند باز مشمول رحمت الهی می‌شود» (صحیح بخاری، ج ۹، ص ۱۶۰)

بالاترین ارزش پیامبر اسلام در این است که به بالاترین ظرفیت برای دریافت بالاترین فیض هستی و رحمت الهی از حق تعالی رسیده است تا همچون باران رحمتی بر مردم ببارد، فیضان و ریزش رحمت الهی بر خلائق باشد.

رسول اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمود: «أَنَا أَدِيبُ اللَّهِ وَ عَلَى أَدِيبِي ، أَمَرَنِي رَبِّي بِالسَّخَاءِ وَ الْبِرِّ وَ نَهَانِي عَنِ الْبُخْلِ وَ الْجَفَاءِ وَ مَا شَيْءٌ أَبْغَضُ إِلَى اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ مِنَ الْبُخْلِ وَ سُوءِ الْخُلُقِ، وَ إِنَّهُ لَيُفْسِدُ الْعَمَلَ كَمَا يُفْسِدُ الْخَلُّ الْعَسَلَ - من ادب آموخته خدا هستم و علی، ادب آموخته من است. پروردگار مرا به سخاوت و نیکی کردن فرمان داد و از بخل و سختگیری باز داشت. در نزد خداوند عزَّ وَ جَلَّ چیزی منفورتر از بخل و بد اخلاقی نیست. بد اخلاقی، عمل را ضایع می‌کند، آن‌سان که سرکه عسل را» (مکارم الاخلاق ص ۱۷)

خدا را بین در صورت ما که ما قائم به هستی خدائیم

طلسم گنج معنی صورت ماست

حقیقت ما نقاب کبریائیم

جهان را پر ز خود بینیم آندم

که از قید اسیری ما بر آئیم

همه عالم امکان وام دار وجود اولیاء خدا هستند.

اگر آنها هم یکی مانند بنده می‌بودند که به دنبال برآوردن نیازهای خود است، چه می‌شد؟

محفن بن ابی محفن نزد معاویه رفت و برای خوش‌رقصی و جایزه معاویه، علی(ع) را تحقیر کرد و این‌طور گفت: از نزد بخیل‌ترین عرب (یعنی علی(ع)) نزد تو آمده‌ام. معاویه با این که دشمن سرسخت علی(ع) بود، نتوانست این تهمت ناجوانمردانه را تحمل کند، لذا به او گفت: « وَ أَتَى يَكُونُ أَبْخَلَ الْعَرَبِ؟ فَوَ اللَّهِ، لَوْ كَانَ لَهُ بَيْتَانِ، بَيْتُ تَبَرٍ وَ بَيْتُ تَبَرٍ لَأَنْفَذَ تَبَرَهُ قَبْلَ تَبْنِهِ - چگونه علی(ع) بخیل‌ترین عرب است؟ سوگند به خدا! اگر علی(ع) دارای دو اتاق باشد، و یکی از آن اتاق‌ها پر از کاه باشد و دیگری پر از طلا، اتاق طلای او (بر اثر انفاق او) قبل از اتاق کاه، خالی می‌گردد! » (بحار الأنوار، ج ۳۳، ص ۲۵۴)

از میان این دو لذت انتخاب کنیم

در حدیث از امیر مؤمنان می‌خوانیم: « لَذَّةُ الْكَرَامِ فِي الْإِطْعَامِ ، وَ لَذَّةُ اللَّئَامِ فِي الطَّعَامِ - لذت بزرگواران، در خوراندن است و لذت لئیمان در خوردن. » (غرر الحکم : ۷۶۳۸)

هر دو لذت می‌برند. سخن در این نیست که دوستان خدا از نعمت‌های الهی لذت نمی‌برند که اگر چنین بود بخشش و عطای آنها به دیگران ارزشی نداشت، سخن در سهیم نمودن دیگران یا ایثار نمودن برای رسیدن به لذتی از جنس خداگونه شدن در درک لذت برآوردن حوائج نیازمندان است.

رسول اکرم (صلی الله علیه و آله) می‌فرماید: « أَلَسَخِي قَرِيبٌ مِّنَ اللَّهِ ، قَرِيبٌ مِّنَ النَّاسِ ، قَرِيبٌ مِّنَ الْجَنَّةِ - سخاوتمند به خدا، مردم و بهشت نزدیک است. » (کافی ج ۴، ص ۴۰، ح ۹)

امام رضا علیه السلام فرمود: « أَلَسَخِي يَأْكُلُ مِّنْ طَعَامِ النَّاسِ لِيَأْكُلُوا مِنْ طَعَامِهِ ، وَ الْبَخِيلُ لَا يَأْكُلُ مِّنْ طَعَامِ النَّاسِ لِيَنَلَّ يَأْكُلُوا مِنْ طَعَامِهِ - سخاوتمند از غذای مردم می‌خورد، تا مردم از غذای او بخورند اما بخیل از غذای مردم نمی‌خورد تا آنها نیز از غذای او نخورند. » (تحف العقول، ص ۴۴۶)

از همین روست که پیامبر (صلی الله علیه و آله) فرمود: « طَعَامُ السَّخِيِّ دَوَاءٌ وَ طَعَامُ الشَّحِيحِ دَاءٌ - غذای سخاوتمند، داروست و غذای بخیل، درد. » (بحار الأنوار ج ۶۸، ص ۳۵۷، ح ۲۲)

ناگفته پیداست که سخاوتمند کسی است که از اموال خود و برای رضای خدا سخاوت داشته باشد، اما کسی که در راه معصیت خدا دست و دل باز باشد، بارکش ناخشنودی و خشم خداست. چنین کسی بخیل ترین مردمان نسبت به خود است چه رسد به دیگران. (قال رسول الله (ص) « السَّخِيُّ بِمَا مَلَكَ وَ أَرَادَ بِهِ

وَجَهَ اللَّهُ تَعَالَى وَ أَمَّا السَّخِيُّ فِي مَعْصِيَةِ اللَّهِ فَحَمَالٌ سَخَطَ اللَّهُ وَ غَضِبَهُ وَ هُوَ أَنْبَلُ النَّاسِ عَلَى نَفْسِهِ فَكَيْفَ لِعَبْدِهِ» (مستدرک الوسائل ج ۷، ص ۱۷، ح ۱۴)

که بخشش و خیر دفع بالاست	حدیث درست آخر از مصطفاست
قهر بر وی چون غباری از غش است	اصل خلقتش داد وجود و بخشش است
بهر قدر وصل او دانستن است	فرقت از قهرش اگر آبستن است

منفورترین ها در نزد خدا

رسول اکرم (صلی الله علیه و آله) فرمودند: « إِنَّ اللَّهَ يُبْغِضُ الْبَخِيلَ فِي حَيَاتِهِ ، أَلَسَخَى عِنْدَ وَفَاتِهِ- خداوند از کسی که در زندگی بخیل باشد و در هنگام مرگ سخی شود، نفرت دارد» (بحار الانوار ج ۷۴، ص ۱۷۳)

در قرآن می خوانیم: « وَ لَا يَحْسَبَنَّ الَّذِينَ يَبْخُلُونَ بِمَا آتَاهُمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ هُوَ خَيْرًا لَهُمْ بَلْ هُوَ شَرٌّ لَهُمْ سَيُطَوَّقُونَ مَا بَخُلُوا بِهِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ - کسانی که بخل می ورزند، و آنچه را خدا از فضل خویش به آنان داده است، انفاق نمی کنند، گمان نکنند این کار به سود آنان است، بلکه برای آنان شر است. به زودی، در روز قیامت آنچه را که نسبت به آن بخل ورزیدند، همانند طوقی بر گردنشان افکنند.» (آل عمران/ ۱۸۰)

روزی امیر مؤمنان علی (ع) برای مردی پنج بار خرما فرستاد، شخصی از روی اعتراض به آن حضرت گفت: او چیزی از تو تقاضا نکرد، وانگهی یک بار برای او کفایت می کند. امیر مؤمنان (ع) با تندى به او فرمود: « لَا كَثْرَ اللَّهُ فِي الْمُؤْمِنِينَ ضَرْبَكَ، أُعْطِيَ أَنَا وَ تَبَخَّلُ أَنْتَ - خداوند مثل تو را در میان مؤمنان، زیاد نکند؛ من می بخشم و تو بخل می ورزی!» (کافی/ ج ۴/ ص ۴۳۵)

تو هرگز رسیدی به فریاد کس	که می خواهی امروز فریادرس؟
که بر جان ریشت نهد مرهمی؟	که دل ها ز ریشت نبالد همی